

شکوه گدایی

و

۲۰ داستان کوتاه دیگر از شمال و جنوب آفریقا

مترجم: هاشم حسینی

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: شکوه گدایی و ۲۰ داستان کوتاه دیگر از شمال و جنوب آفریقا/ [ویراستار میشل نوتلینگ]؛ مترجم هاشم حسینی.
مشخصات نشر: تهران: نشر سولار، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۹۰ ص.

فروست: نشر سولار؛ شماره نشر ۱۷۳. هزار و یک آسنی؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۸-۷۱-۸

یادداشت: عنوان اصلی: ... winning stories from the SA writers college to South African short stories: the

موضوع: داستان‌های کوتاه آفریقایی (انگلیسی) - قرن ۲۰ م. -- مجموعه‌ها

-th century -- Collections Short stories, African (English)-

شناسه افزوده: نوتلینگ، میشل، ویراستار

Nothling, Michelle: شناسه افزوده:

شناسه افزوده: حسینی، سیدهاشم، ۱۳۳۳ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: PR۹۳۴۸

رده‌بندی دیویی: ۰۱۰۸۹۶/۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۹۹۷۲۲



انتشارات سولار

شکوه گدایی

و

۲۰ داستان کوتاه دیگر از شمال و جنوب آفریقا

ترجمه: هاشم حسینی

شماره نشر ۱۷۳، مجموعه هزار و یک آسنی ۲

مدیر هنری: پیمان گلپور

صفحه‌آرایی: فاطمه اقبالی

چاپ اول: ۱۴۰۱، شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۸-۷۱-۸

قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

نقل و چاپ مطالب منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

آدرس: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد ۱۱.

تلفن: ۰۹۱۲۷۲۰۳۷۵۶ - ۷۷۵۵۸۱۳۸

soolarpub@gmail.com

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	بخش نخست: جنوب آفریقا
۱۵	آشلی سای مز
۱۶	محور مختصات آقای مارتین ماندل
۲۳	هنا گرین
۲۴	توکولوش
۳۳	آن کرن
۳۴	در کشاکش انتخاب
۴۱	ویلیام مادیسن
۴۳	شکوه گدایی
۶۱	مایکل پیکاردی
۶۲	کاکاسیاه دوست‌داشتنی من
۸۵	آنامه فان زیل
۸۶	از اینجا برو
۹۵	آرتور باکوس
۹۶	در تیررس
۱۰۳	کارلا لیور
۱۰۴	هفته بعد دوباره با برنامه ما
۱۰۹	شلی بلینو
۱۱۰	تماشای غروب‌هایی که هرگز نمی‌بینیم

۱۱۹	جسیکا لی بن برگ
۱۲۰	در تدارک سفر
۱۲۹	ویلیام اوستویی زن
۱۳۰	پانسیون
۱۳۹	بتینا کالدِر
۱۴۰	قمارباز
۱۴۷	آلن پیتون
۱۴۸	اسپونونو
۱۶۷	لاورنس فان در پُست
۱۶۸	دودمان ناپدیدشده
۱۷۳	جین مارکوارد
۱۷۴	دختر دلیند رزینا
۱۹۱	زُبی ویکامب
۱۹۲	کاسه‌ای شبیه حفره
۲۰۳	بخش دوم: شمال آفریقا، نویسندگان زن
۲۰۵	بازآفرینی زیبای واقعیت در آفریقای شمالی
۲۱۱	آسیه جبار
۲۱۳	پدر به مادر نامه می‌نویسد
۲۱۹	نوال سعداوی
۲۲۱	جنس ضعیف‌تر
۲۲۷	رُیزل حلیمی
۲۲۹	آزمون
۲۴۱	آندریه شدید
۲۴۳	اسلوموشن مرگ
۲۵۱	لیلا صبار
۲۵۲	نیکمت سنگی
۲۶۳	لیلا ابوالعلا
۲۶۴	موزه

یادداشت مترجم

سرزمین بهناور آفریقا، خاستگاه انسان است

جهان برخوردار و پر بار از فرهنگ و هنر پویا و پیشرو، بسیار مدیون دستاوردهای خلاق ادیبان و هنرمندان آفریقایی است: از موسیقی جاز و ریگه و بلوز تا قصه‌گویی، آرایه‌ها، ورزش و نمایش / سینما. داستان‌نویسی معاصر آفریقا سرشار از پژواک‌های خودویژه و رنگارنگ زندگی، رسالت نمایش لایه‌ها و زرفاهای پنهان‌مانده جوامع آفریقایی (شمال، جنوب، خاور، باختر و مرکز) و بیرون، در مستعمره‌های خارج را به عهده دارد. ادبیات آفریقایی در ایران شناخته‌شده و پراقبال بوده است. پیش از آن که نگاهی گذرا به این گنجینه‌های شایگان بیندازیم، بایسته است برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌شناختی ادبیات پارسی‌شده آفریقا در جلد پایانی مراجعه کنیم. در این راستا، سخن‌سنجی و ارزشیابی آثار پارسی برگردانده‌شده نویسندگان آفریقایی را به مجال و مقالی دیگر موکول می‌کنیم. از این رو، واکاوی اندرونی (محتوا) و برونی (فرم) را به کمک تأویل متن خواننده به پیش می‌بریم. هر داستان، خود تعریفی جامع و گویایی است که نمایی از دگرگونی‌های این صنعت و گوشه‌هایی از تاریخ ادبیاتش را آرایه می‌دهد. می‌پرسیم: این قاره بکر، پر رمز و راز، هزارتو (که همینگوی را مسحور زیبایی خود ساخت)، با تنوع زیستی و جغرافیایی منحصر به فردی از چشم‌اندازهای اقلیمی، آوردگاه‌های سیاسی و اسرار تکامل بیولوژیک و تاریخی تمدن بشری، در کجای سکوی افتخار بشری ایستاده

است؟ آیا ما هنوز آثار شلاق استعمار را بر پیکرش و زخم‌های چرکین روح آپارتایدزده‌اش می‌بینیم؟ شگفتا که عفونت ویروس مرگبار نژادپرستی - راسیسم - شرم‌آور، همچنان دارد در ایالات متحده آمریکا و در مواردی، اروپا و شماری از کشورهای اسکاندیناوی تا همین امروز قربانی می‌گیرد.

«دلم می‌خواد که با لبخند کلک‌شون را بکنی و با اطاعت، آنها را به مرگ و نابودی بکشی. بگذار آن‌قدر که دلشون می‌خواد تحقیرت کنند، اما وقتی که نوبت تو پیش بی‌آد، از حسادت می‌ترکند...» / مرد نامریی، رالف الیسن، ص ۲۷۴

چنین بوده که ادبیات آفریقایی، به دادخواهی، نوشتن تاریخ عاطفی بالزاک‌وار رنج سیاه را به عهده گرفته است. آلکس هیلی در کتاب «ریشه‌ها»، بخشی از تاریخ عاطفی بشر را در بارهٔ قربانیان نژادی تمدن باختر زمین می‌نویسد که در گذر از رنج‌های بردگی، بعدها در ورزش، موسیقی، ادبیات و هنر می‌درخشند؛ مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز، فارغ از بی‌آس و رکود که سیاهان را رو به ستیخ اقتدار ناگزیر بالا می‌برد و سپیدک‌های متکبر را به کرنش و تحسین وامی‌دارد. تونی موريسون (۱۹۳۱) که نسب‌اش به برده‌های فروخته‌شده می‌رسد، از پدر و مادرش یاد می‌کند که از جنوب نژادپرست ایالات متحده آمریکا فرار کرده و برای یافتن حداقل‌های امن زندگی به شمال پناه برده بودند. کتاب «آبی‌ترین چشم» او در بارهٔ رنج دختران نوجوان سیاه‌پوست گیر افتاده در چمبرهٔ مد و معیارهای زیبایی سیدبوستان است که در حسرت داشتن چشمان آبی، آه می‌کشند. او در شاهکارش «دلبند» از رویداد واقعی ۱۸۵۱ روایت می‌کند؛ تکان‌دهنده، شرم‌آجین و پُر آب چشم؛ مادری سیاه، هنگام فرار، بچه‌هایش را برای رهایی از ستم ارباب، همراه خود می‌برد، آنها در روندی نفس‌گیر از تعقیب و گریز، سرانجام فرو افتاده از پای رفتن، آن‌گاه که نزدیک است دستگیر شوند، مادر نخست کودک‌کان را سر به نیست می‌کند تا زنده نمانند و برده شوند و دست آخر خود را می‌کشد.

آفریقا این قارهٔ برخوردار از تنوع اقلیمی، قومی، اعتقادی و زبانی، تامین‌کنندهٔ نیازهای خوراکی، پوششی و تسهیلاتی کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسکاندیناوی بوده است... تاریخ داستان‌سرایی آفریقا که داری دو مرحلهٔ اسطوره / فابل / افسانه شفاهی و واقع‌گرایی نوشتاری بوده، تغییرات صوری / فرم و تحولات چشمگیر محتوایی را از سر گذرانده است. نقش حیاتی قصه در زندگی بومیان آن‌چنان تعیین‌کننده بوده که پژوهشگران باخترزمین را به دل جنگل‌های بکر آنجا

کشانده است. شب‌های آتش و نقالی، همراه با موسیقی، رقص و نمایش، همچنان با استقبال خُرد و کلان قبایل روبه‌رو بوده است. این سنت ادبیات شفاهی را مادر بزرگ‌های برده ساکن در کشورهای اروپایی و آمریکایی هم در لالایی و قصه‌گویی حفظ کرده‌اند. کارتر گادوین وودسن^۱ که او را پدر تاریخ سیاهان می‌دانند، در کتاب «اسطوره‌ها و مثل‌های آفریقایی»^۲ شرح می‌دهد که چگونه در باور ازلی آفریقیان، پرسش‌هایی در باره زادن و بالیدن زمین، ظهور جانوران و علت اقامت آنها در جنگل یا کوه، خشکی یا دریا شکل می‌گیرد و جادوگران/نقالان / قصه‌گویان، پاسخ‌هایی تخیل‌آمیز به آنها می‌دهند و به سیر و سلوک اخلاقی - معنوی افراد نیوشده جهت می‌بخشند. او در مقدمه روشنگرانه‌اش می‌نویسد: «مثل‌های توده‌ای راهنمای شناخت گذشته مردم این سرزمین هستند اگر می‌خواهید مردم امروز را درک کنید باید دریابید که آنها در روند تکوین تاریخی خود چه مراحل را از سر گذرانده‌اند... مثل‌ها اگر به شرح تکان‌دهنده و ترسناک دودمان‌های جانوران، کتوله‌ها و هیولاها می‌پردازند، اما در چشم‌اندازهای دیگر، رنگ و لحنی از شوخی، کلاه و طنز را باز می‌نمایانند... نباید از یاد ببریم که قصه‌گویی شفاهی / نقالی در آفریقا نهادینه شده و شخصیت‌های خوشنام جوامع محلی - بیشتر کهنسالان - برای کوچک‌ترها داستان‌های جالبی نقل می‌کنند که بر محورهای فلسفه هستی، شناخت دیو و دَد، آشنایی با بوده‌های پیرامون، همدردی، کوشش و امید تنیده می‌شوند. در گوشه و کنار آفریقا با قصه‌گویی روبرو شده‌ایم که عمر بر سر این پیشه گذاشته‌اند. آنها را می‌توان اُدبای قبیله به حساب آورد که سنت‌های نیاکان را به امانت به آیندگان انتقال می‌دهند و در این ایثار، احترام اجتماعی را رو به خود و روح حاکم بر قبیله برمی‌انگیزند».

آفریقا به شمار تک‌تک مردمش افسانه (اوسنه که شفاهی است و نسل اندر نسل دگرگونی می‌پذیرد) و قصه دارد. داستان، بنا به مفهوم صنعت تکنیکی‌اش که اکنون در گذر از روندی پر پیچ و خم و برخوردار از دستاوردهای آخرین نویسندگان صاحب‌نام جهان و خامه خوشنویس نویسندگان نسل نئی آفریقایی شگفتی‌آفرین کرده است. پیشینه این پیشه با در نظر گرفتن سنت‌های شفاهی بوم‌زادی که اشاره‌ای گذرا به آن شد، به برده‌های راوی و مهاجران روشنفکر ضد

۱. Carter Godwin Woodson.

۲. African Myths and Folktales (New York: Dover Publications INC, ۲۰۱۴).

آپارتاید برمی گردد. از نیمه سده نوزدهم یعنی دهه ۳۰ میلادی است که روایت‌های سیاهان به پستوی خانه سپیدان انسان نفوذ پیدا می‌کند و زمینه‌های آفرینش و درخشش داستان آفریقایی را فراهم می‌سازند. در گستره این نفوذ ناپیداست که کسانی مانند ویلیام فاکتر خواب و قرار از دست می‌دهند و با نگاهی به «انبار سوزی»، از دغدغه‌ها و لینیچ سیاهان پرده برمی‌دارند. لانگستون هیوزها و ریچارد رایت‌ها زاده می‌شوند، گلوی زخمی لویی آرمسترانگ ترومپت‌نواز هر چند به تصنیف و الحان پر نوا، اما گوش‌های آمریکا و کم‌کم سایر جهان را به نیوشیدن قصه‌هایش وامی‌دارد.

اگر بخواهیم سهم ادیبان آفریقایی‌نویس (درون/ برون‌زاد قاره) را در گنجینه فرهنگ و تمدن بشری بسنجیم، ارزیابی کنیم و سیاهه‌ای از نام‌ها را به نمایش بگذاریم، باید به مقال و مجال دیگری اکتفا کنیم. از آلن پیتون تا جوان خوش قریحه، خانم چیماندا نگوزی آدی جی، نویسندگان بسیاری درخشیده‌اند. از کلبه عموتام نوشته مریت بیچو استو، و بچه‌های عموتام و پسرک سیاه یچارد رایت تا مرد نامریی رالف الیسون و آنلر تونی موریسون، به «پسرانگی» جان مکسول کویتزی و کتاب‌های چنوا آچه‌به و نویسندگان خلاق کتاب حاضر می‌رسیم. مگر می‌شود دستاوردهای ادبی و حمایت‌آمیز کوشنده حقوق آفریقاییان خانم نادین گوردیمر، این هم‌رزم نلسون ماندلا را نادیده گرفت و از ادبیات داستان‌گویی شیرین و دلنشین او در آثاری کلاسیک‌شده مانند «محافظه کار»، «سرزمین بیگانگان»، «آخرین دنیای بورژوازی»، «دختر برگر»، «۶ فوت از دهکده» و «جا پاهای جمعه» غافل ماند؟

جایگاه پر نفوذ و جد و جهد نویسندگانی مانند سیمون دو بووار، موریس لسینگ، اولیو شراینر (همیار خانم نادین گوردیمر) و... نقش غیرقابل انکاری در گسترش داستان‌نویسی آفریقا داشته است. آلبرت چنوا لوموگه آچه‌به، که در این مجموعه بیشتر با شخصیت ادبی او آشنا خواهیم شد و داستان شگفتی را از او خواهیم خواند، با راه‌اندازی مجله Akike نویسندگان آفریقایی را به دنیا شناساند. او با همکاری تونی موریسون به تدوین مجموعه‌ای ادبی بنام «آینده پاره‌پاره ما» برای سازمان یونسف دست یازید و کتاب او، «آفریقای دیگر» با استقبال چشمگیری روبرو شده است.

در گزینش داستان‌های این مجموعه، هدف آن بوده که آن‌ها برای خوانندگان

ایرانی تازه باشند و آخرین دستاوردهای قصه‌نویسی آفریقا را عرضه کنند. شرح کوتاه و گزیده از هر نویسنده تا حدی گویای این ادعاست.

کارنامه و کتاب‌شناختی ادبیات آفریقا در ایران پر بار و درخشان است. خوانندگان زبان پارسی توانسته‌اند تا حدی هم‌زمان و به‌هنگام، آنها را بخوانند و بهره‌ها ببرند. اما پرسشی که همواره ذهن مرا در این باره مشغول داشته، این بوده که آیا خوانندگان یا نویسندگان ما همانند خوانندگان و نویسندگان آفریقا توانسته‌اند، پیگیر و به‌روز، آخرین آثار منتشره جدید ادبیات جهان را دستکم به زبان‌های انگلیسی و فرانسه بخوانند؟ تفاوت بنیادی ما با آنها در ناتوانی به نوشتن داستان‌هایمان به این دو زبان است. آفریقایی‌ها افزون بر ده‌ها زبان / گویش زادبومی خود، می‌توانند به دو زبان ره‌آورد استعمار: انگلیسی و فرانسه گفت‌وگو کنند، بخوانند و بنویسند.

دو نکته اصلی که در اینجا بایسته است مورد توجه قرار گیرد، تنوع موضوعات داستانی و تفاوت‌های ملیتی (آفریقایی- غیر آفریقایی) نویسندگان است: بازآفرینی‌های واقعیت بر محورهایی از آپارتاید، فقر فرودستان، جایگاه آفریقایی در نظام اداری استعماری حاکم، بردگی و انتقال اجباری، نژادپرستی ارباب آمریکایی، حقوق زنان / فمینیسم، اشتغال، خانواده باورها و تابوها، مبارزات رهایی‌بخش، دگرگونی‌های پیش و پس از آپارتاید (به عنوان نمونه در آفریقای جنوبی پیشا / پس‌انلسون ماندلا) و... به جز نویسندگان آفریقا زاده با شخصیت‌های اصلی معتبر و معروفی آشنا می‌شویم که در برابر استعمار و آپارتاید کشور متبوع خود ایستادند و حتی به زندان افتادند. به عنوان نمونه لارنس فان در پُست^۲ (۱۹۰۶-۱۹۹۶) خبرنگار و نویسنده‌ای بود که به جرم حمایت از اعتراضات و اعتصاب‌ها علیه حکومت سیدپوستان به زندان افتاد. گزارش او از زندان ژوهانسبورگ تکان‌دهنده و افشاگرانه است. در طیف گسترده داستان‌نویسان، یهودیان هم حضور دارند. فعالیت‌های ادبی آنان بیانگر رسالت نویسندگی به دور از تعصبات و تبلیغات اعتقادی، سیاسی و نژادی است (داستان محور مختصات آقای مارتین ماندل در این کتاب، دغدغه‌های یک روز از زندگی پیرمردی یهودی را نشان می‌دهد که در واکنش به بیرحمی حاکم بر جهان، تنهایی و مرگ) بی تفاوت نیست. آثار نویسندگان یهودی،

هلندی، انگلیسی، هندی و دیگر ملیت‌های مهاجر به کشورهای آفریقایی، نمونه‌های روشنگرانه‌ای از ناوابستگی صنعت نویسندگی آنها به نظریه‌های ادبی وارداتی / سفارشی، جاذبه‌های فرهنگ غربی، افسون‌های ایدئولوژی و گمراهه‌های اعتقادی را نشان می‌دهد. در داستانهای این کتاب، دو نوع نگاه زیبایی‌شناختی به واقعیت‌های آفریقایی را می‌بینیم: راویان سپید و راویان آفریقایی؛ رویکردهایی که برای شناخت لایه‌های پنهان‌مانده فرهنگ این سرزمین راهبرانه خواهد بود.

برای حُسن ختام این پیشگفتار، بهتر است سری به آفریقای جنوبی بزنیم؛ کشوری با زیرساخت‌های مستحکم اقتصادی فرهنگی و توجهات ادبی روزآمد، داستان‌نویسی پویا و مطرح در جهان که با وجود تنگناها و کاستی‌های معیشتی به ارث رسیده از آپارتاید، توانسته توسعه پایداری را از سر بگذرانند. این کشور با جمعیتی حدود ۵۹ میلیون تن (پایتخت‌ها: کیپ‌تاون، پرتوریا، بلوم‌فونتن) هم مرز با کشورهای نامیبیا، موزامبیک، سوازیلند، و لسوتو است؛ دارای یازده زبان رسمی در برگیرنده آفریکانز و انگلیسی و ۹ زبان محلی است.

در کشوری که تاریخ افتخارآمیز خود را به دو مرحله متمایز، اما هم‌پیوند، یعنی مبارزات آزادیخواهانه ضد آپارتاید و شوکت مسالمت‌آمیز سیاه و سپید در راستای شکوفایی اقتصادی تقسیم می‌کند، چه افتخاری از این بالاتر برای ادبیات که نلسون ماندلا پس از آزادی، یکی از کسانی را که زودتر از همه می‌خواست ببیند، نآدین گوردیمر بود، هم او که در داستان دختر برگر، نوشته: «زندگی در کشوری که هنوز قهرمان دارد شگفتی‌آفرین است».

و نیز این سخن حکیمانه او، باشد که راهنمای عرق‌ریزان روح نویسندگان جوان ایرانی گردد: «نویسندگی درک زندگی است. از همه عمری که صرف نوشتن کرده‌ای، شاید در پایان، بخشی از آن را فهمیده باشی».

هاشم حسینی

کرج، بهار ۱۳۹۹